



هر کدام مقاله ای می توان پرداخت . ترجمه قرآن کریم به فارسی از هر زبانی زودتر آغاز شده و بیشتر محصول داشته است . ما غیر از عهد سلمان (رضی الله عنه) و پیشگامی او در ترجمه فارسی ، از قرن سوم تا امروز که ربع اول قرن پانزدهم هجری است ، تقریباً هزار ترجمه از قرآن کریم به فارسی داریم که در کتابخانه های بزرگی چون کتابخانه هزار ساله آستان قدس رضوی و کتابخانه آستانه حضرت معصومه - علیها السلام - و کتابخانه های هند و پاکستان موجود و محفوظ است . در هزار سال اول ، غلبه مطلق با ترجمه تحت اللفظی بوده است . و این ناشی از دو امر بوده :

بیانات: با تبریک انتشار ترجمه شما از قرآن مجید که به حمدلله با اقبال و استقبال اهل نظر و خوانندگان مواجه شده، گفت و گوی خود را با طرح این سؤال آغاز می کنیم که ترجمه جناب عالی به کدام یک از سه نوع زیر نزدیک است:

- (الف) ترجمه آزاد و روان و خوشخوان
- (ب) ترجمه مطابق و صرف
- (پ) ترکیبی از الف و ب

خرمشاهی: با سپاس از تبریک شما و نشریه متبرک شما، پاسخ های خود را با اجازه شما به کوتاهی عرض می کنم. زیرا چنانکه از آغازش پیداست سؤالات شما اساسی است و در پاسخ

قاضی ابرقوهی از سیره ابن هشام که آیتی در ملاحظت و فصاحت فارسی است.

با این حساب نه بنده و نه کسی پس از آقا جمال خوانساری هم عصر نادر شاه که ترجمه اش از قرآن کریم، در همین شهر شما قم زیر چاپ است و غیر از مرحوم معزی، تحت اللفظی ترجمه نمی کنیم. دیگر ترجمه تحت اللفظی، انقراض تاریخی پیدا کرده است. ترجمه آزاد هم درباره قرآن کریم (و اصولاً کتاب های مقدسی) که به آن paraphrase (نقل به معنی) می گویند، بی سابقه نیست. ترجمه مرحوم قمشه ای (از پنجاه سال پیش) و ترجمه آقای محمد باقر بهبودی به نام معانی القرآن (از پنج- شش سال پیش) ترجمه های آزاد هستند و نیز ترجمه آقای داریوش شاهین که خود نام «نگارش» به آن نهاده اند. دست کم این سه مورد را بنده می شناسم. ترجمه بنده همان طور که در سؤال شما هم پاسخش پیش بینی شده، تلفیق از نوع الف و ب است. بنده آگاهانه یک کلمه - و حتی می خواهم بگویم یک حرف در حد او هم - در ترجمه خود از کلام الله مجید نیفزوده ام و آگاهانه یک کلمه از آن نکاسته ام. و اگر افزوده ای تفسیری برای روشنگری لازم بوده آن را داخل قلاب آورده ام. بنده «آزادی» را در حداقل به کار بسته ام. تا همان حد که اگر

۱) سیطره متن مقدس قرآن و زیر نویس بودن اغلب ترجمه ها.

۲) دیگر پیشترفته نبودن نظریه ترجمه و اینکه قداما جز در ترجمه های آزاد، از نحو و ساختار زبان عربی تبعیت می کردند.

لذا شاید در سراسر این هزار سال، نه فقط از قرآن کریم، از هیچ متنی ترجمه ای نداشته باشیم که به راحتی و مانوسی و جاافتادگی ترجمه های عصر جدید باشد. بنده اولین کسی هستم که عتیقه گرایی و رودربایستی را در این باره کنار گذاشته ام. ترجمه های قدیم قرآن کریم هیچ کدام سراسر است و با نثر راحت و روان نیست. دهها معادل و عبارت شیوا و زیبا در ترجمه های قدما هست، اما سراسر استی و راحتی و روانی در آنها نیست.

البته مترجمان معاصر لزوماً فرهیخته تر و قرآن شناس تر و حتی فارسی دان تر از قدما نیستند، اما اصولاً افق فکری و فرهنگی، تحول و تکامل یافته است. امروزه حتی مترجم نوحاسته و ضعیف هم، هیچ متنی را تحت اللفظی و واژه به واژه ترجمه نمی کند. حال آنکه در دیروز هزار ساله، هر مترجمی حتی شهسواران میدان فارسی نویسی و سخنوران هم هر مستنی را واژه به واژه ترجمه می کردند. مگر آنکه ترجمه، تحریری و نگارشی باشد. مانند فی المثل ترجمه

تألیف می‌کنم، از مراجعه به فرهنگ‌های معاصر، جز فرهنگ‌های تخصصی مانند حقوق، پزشکی، ریاضی و کشاورزی، ابا دارم.

و از آثار فرهنگ‌نگاری عمومی فقط به اثر عظیم الشان شادروان حبیب که بیش از پنجاه سال از انتشار آن می‌گذرد و در واقع کلاسیک شده است، مراجعه می‌کنم. در ترجمه قرآن هم به آثار قدما و تفاسیر قدیم و جدید و در حدود یک هزار عنوان آثار معتبر قرآن پژوهی، هر جا که لازم بود، مراجعه و در توضیحات، پای صفحه، گاه نقل و ترجمه کرده‌ام. البته تمامی ترجمه‌های فارسی چاپ شده قدما را در دست و بلکه پیش چشم داشتم و از مفردات آنها خیلی استفاده کرده‌ام. فی المثل دیدم که یک ترجمه قدیمی «امارة بالسوء» را «بدفرما» گذارده است. آن را برگرفتم و در ترجمه خود به کار بردم. چون کلمه ای شفاف و خودآشکار بود و دهها نظیر آن را.

بیّنات: چه زبان و نثری را در ترجمه

قرآن به کار برده اید؟ و چرا؟

خرمشاهی: این بحث بسیار درازدامن است و بنده در دو جا به آن پرداخته‌ام. یکی در «گفتار مترجم» در مؤخره ترجمه خود و دیگر

از آن استفاده نشود، به راحتی و روانی خوانایی یا خوشخوانی ترجمه؛ و در نهایت به نقل محتوای قرآنی، صدمه می‌خورد. اما ادب شرعی، این اجازه را نمی‌دهد که مترجم انشاها و قلم‌گردانیهای خود را وارد ترجمه متن مقدس قرآنی کند. خواننده غیر اهل فن هم طبعاً نمی‌داند که کجا کلام الهی است و کجا افزوده انسانی. از معاصران، ترجمه استادان خواجوی، آیتی، مجتبی و فولادوند هم مانند ترجمه این جانب است.

و این ترجمه‌های چهارگانه و ترجمه بنده، با وجود حذف افزوده‌های آزاد، از ترجمه‌های آزاد سه‌گانه‌ای که نام بردم، خوشخوانی کم‌تری ندارد، اگر بیشتر نداشته باشد.

بیّنات: جناب عالی در ترجمه خود، به

کدام یک از ویژگی‌های ترجمه‌های

کهن و یا ترجمه‌های معاصر قرآن

توجه کرده اید؟

خرمشاهی: بنده اصولاً در مراجعه به ترجمه‌های معاصر، با وجود اعتقاد به آنها، شایق و کوشان بوده‌ام. زیرا ممکن است خودآگاهانه یا ناخودآگاهانه چیزی از آنها برگرفته شود و حرف و سخن و گلایه و غیره پیش آورد. بنده حالا هم که دارم به توفیق الهی فرهنگ انگلیسی - فارسی مفصلی

در برابر حاصِب، [تندباد] کشتی شکن در برابر قاصِف، آتشباد در برابر سموم، و شباینده (مركب از شب+آینده یعنی کسی که می آید یا وارد می شود) در برابر طارق. همین آخری را در نظر بگیرید. طارق از طروق یعنی وارد شونده، رخ دهنده، آینده در شب. قبول دارید که وارد شونده یا آینده در شب، خوش ذوقانه و با سلیقه نیست. اما کاربرد این چند لغت جدید شفاف و خودآشکار، چون از سر ضرورت بوده و چون فارسی باستان و اوستایی و به تعبیر طنزآمیز بعضی از دوستان چون هوشتره‌ای نیست، تالی فاسدی ندارد. اینها در نشر ترجمه عادی و مأنوس و متعارف بنده، گم است. به نظر من هیچ خواننده‌ای با انس و دانش و تجربه‌زبانی متوسط و حتی کم‌تر از متوسط، با نشر ترجمه بنده که به تصدیق موافق و مخالف معیار و متعارف است، مشکل ندارد. بلکه بعضی از منتقدان به همین مفهوم بودن و مأنوس بودن بیش از حد نشر ترجمه بنده ایراد می‌گیرند.

بنیات: شما تا چه حد در ترجمه خود

عنصر تفسیری، نقل‌های تاریخی و

شان نزول آیات را به کار برده اید؟

خرمشاهی: بنده از عنصر تفسیری به حداقل استفاده کرده‌ام. و اگر افزوده‌ای روشن‌گر هم

در نکات قرآنی (۶) که ان شاء الله در بنیات چاپ خواهد شد. در یک کلام، پاسخ شما این است که نشر ترجمه این جانب، نشر امروز و نشر معیار و متفاوت است. این مسأله را با آنکه طبیعی و حتی بدیهی است و عملکرد دهها مترجم قرآن - که از آنها نام بردیم و مرحوم رهنما و پاینده را هم باید بر آنان افزود - همه همین گونه بوده است، مسلم و بدیهی نگرفته‌ام و درباره آن در دو جایی که اشاره شد به نحو فراگیر بحث کرده‌ام.

بنیات: چرا گاه از الفاظ نامأنوس یا

ابداعی در زبان فارسی همچون

کوشک، ژاژخایی، زاد و رود و جز آن

بهره برده اید؟

خرمشاهی: انتخاب این واژگان ضرورت

داشته است. همه این لغتها که نام بردید و

امثال آنها، خالی از تداول در نظم و نشر قدیم

و حتی جدید فارسی نیست. کوشک یعنی

قصر و اخیراً در فرهنگستان زبان فارسی، به

اتفاق آراء، این کلمه را در برابر «پاویون»

خارجی، پیشنهاد و تصویب کردیم. این

لغتها همه پدر و مادر دارد و قابل بازیابی در

همه واژه‌نامه‌های فارسی از فرهنگ عمید تا

لغت‌نامه دهخدا است. اما تعدادی لغت هم

در حدود بیست فقره، بنده با اجزاء روشن و

شفاف ساخته و ترکیب کرده‌ام: مانند شنباد

کتابشناسی های قرآن کریم، خود بالغ بر بیست - سی عنوان است. از جمله کامل ترین آنها که معجم الدراسات القرآنیة (اثر استاد عبدالجبار رفاعی) و دیگر کتابنامه بزرگ قرآن (اثر استاد بکایی) است. کتابنامه اخیر طبق برآورد مؤلف آن، بالغ بر چهل مجلد خواهد شد. و آگاهان برآند که در حدود هفت هزار تفسیر قرآنی اعم از خطی و چاپی داریم. بله پهنا و ژرفسای کار از این قرار است. لذا بنده نمی توانستم از حداقل توضیحات هم صرف نظر کنم. توضیحات تفسیری بنده در هر صفحه در ذیل آن صفحه در ۲۰ سطر است و در هر صفحه ای در خودش تمام می شود و به صفحه دیگر نمی رود. البته چون غالباً با کمبود جا مواجه بودم همواره جان کلام را گفته ام و برای تفصیل یا تسجیل، به منابع مهم قدم و جدید ارجاع داده ام. این توضیحات جمعاً بالغ بر ۴۰۰۰ «مقاله» کوچک از یک سطر تا بیست سطری و در یک دو مورد استثنایی ۴۰ و ۶۰ سطری است. و بر وفق سبک و سیاق «مرجع سریع» ساخته شده است. زبانش موجز و فشرده است. واقعاً عصاره کشی از کتابخانه علوم قرآنی ام با یک هزار منبع است. وازه نامه هم برای اولین بار است که همراه ترجمه ای تدوین و منتشر می گردد. بنده نمی توانم درباره

لازم بوده آن را داخل قلاب آورده ام. مجموعاً در هر صفحه ای از ترجمه این جانب ۲-۳ قلاب یک کلمه ای، گاه دو سه کلمه ای دیده می شود. غیر از مسایل و ضوابط اصولی ترجمه، یعنی ترجمه هر چه امین تر و هر چه دقیق تر که به من اجازه دخالت دادن عناصر تفسیری نمی داد، یک امکان هم کار مرا آسان تر و ایفای این اصل و عهد را تسهیل می کرد و آن این بود که بنده در پای صفحات، برای موارد دشوار یا مبهم متن مقدس اصلی، توضیحات یا تفسیرهای کوتاه با ذکر منابع آورده ام.

همچنین در آخر ترجمه، یک واژگان یا لغت - معنای سراسری ۱۲ هزار واژه ای از کل لغات قرآن کریم آورده ام. حاصل آنکه بحث های تفسیری را در پای صفحات و بحث های لغوی را در آخر کتاب آورده ام و از خلط بحث و مباحث به شدت پرهیز کرده ام.

بیانات: هدف شما از توضیحات و

واژه نامه دقیقاً چیست؟

خرمشاهی: پاسخ این سؤال را در ضمن سؤال قبلی تا حدودی به میان آوردم. در قرآن هزاران تلمیح و اشاره هست. هیچ کتابی در کل تمدن و فرهنگ بشری نیست که به اندازه قرآن بر آن شرح و تفسیر نوشته باشند.

فایده مندی احتمالی این دو عنصر حرف بزیم. زیرا لامحاله حمل بر خودستایی خواهد شد. ارزیابی کارایی این توضیحات پای صفحات و واژه نامه پایانی، با صاحب نظران و منتقدان است.

بینات: آیا جناب عالی به یکسان سازی ترجمه خودتان در آیات، عبارات و ترکیبات مشابه قرآنی دست زده اید. چرا؟ و تا چه اندازه؟

خرمشاهی: این مسأله که علی الاصول کلمات و عبارات و آیات یکسان یا مشابه، باید یکسان یا مشابه ترجمه شود، (غیر از اشاره و عملکرد بنده در ترجمه ام که در هر حال گام اولیه بوده) اعتبارش به قرآن پژوه فاضل جناب آقای مرتضی کریمی نیا که از همکاران نشریه شما و یکی از دو ویراستار ترجمه قرآن کریم به قلم این جانب بوده اند، بازمی گردد. گمان نمی کنم هیچ صاحب نظری این اصل زیبایی - ادبی - ترجمه ای را قبول نداشته باشد. و به اصطلاح از مقوله «قضایا قیاساتها معها» است. یعنی فیسای آلاء ربکما تکذبان که ۳۱ بار به صورت ترجیع بند در سوره الرحمن به کار رفته است، بی شبهه باید ترجمه اش به فارسی یا هر زبانی یکسان باشد که اتفاقاً در بعضی ترجمه ها، شاید سهواً، این یک دستی و یکسانی رعایت

نشده است.

باری بنده خود نیز در ترجمه ام از این معنی غافل نبودم و به مدد واژه نامه ای که نگه داشته بودم و همپای ترجمه قرآن به پیش می رفت، تا حد زیادی امکان یکسان سازی عبارات و آیات مشابه را داشتم. فی المثل «جنات تجری من تحتها الانهار» یا «لاخوف علیهم ولا هم یحزنون» در سراسر ترجمه بنده یکسان ترجمه شده است. اما گاه هست که مترجم - که معمولاً حافظ قرآن نیست - همواره و در تمام موارد پی نمی برد که آیا این یا آن عبارت یا آیه، مشابه یا یکسان است یا خیر و لذا در صد یکسان سازی بر نمی آید.

یکی از دوستان و قرآن پژوهان فاضل حوزه علمیه و دانشگاه مشهد در نقدی که بر ترجمه این جانب نوشته اند و الحق که نقدی عالمانه و خالصانه و سرشار از فایده و تهی از اغراض است، به این نکته بسیار پرداخته اند و سعی کرده اند عبارات یکسانی پیدا کنند که در ترجمه بنده یکسان نیست. پاسخش را قبلاً تا حدودی دادم. یعنی چون حافظ کل قرآن نبودم و چون از کامپیوتر و حافظه و هوش مصنوعی استفاده نمی کردم، طبعاً مواردی - کم یا بیش - از دستم در رفته است. در واقع جای شکر باید باشد نه شکایت. زیرا مترجمان دیگر بالمره و در حد صد

۲. طبعاً به خاطر کوچک شدن قطع، پانویسها یا توضیحات پای صفحات تماماً حذف شده است. همچنین در پایان کتاب فقط «پی گفتار چاپ دوم» آمده است و خلاصه‌ای از «گفتار مترجم» مربوط به چاپ اول. واژه‌نامه و مقالات و ضمائم همه حذف شده است. به تعبیر دیگر این ترجمه صورتاً درست مانند ترجمه‌های استادان آیتی، مجتبوی و فولادوند است. در همان قطع و قواره.

۳. طبعاً «هدیه» آن نیم طبع اول است.

۴. ویراستاران قرآن‌شناس فرزانه، دوستان عالی‌قدرم آقایان: مسعود انصاری و مرتضی کریمی نیا، چاپ اول را بار دیگر ویرایش کرده‌اند. و نکته‌هایی گرفته‌اند که در پیرایش و بهسازی ترجمه مؤثر بوده است. علاوه بر آن، خود این جانب نیز بعضی اصلاحات لازم را در ترجمه وارد کرده‌ام. این ترجمه یعنی طبع جدید در قطع وزیری، هم اکنون در مراحل نهایی تولید و طبع است. اجازه مصحف آن از سازمان تبلیغات گرفته شده و ان شاء الله تا اواخر آذر ماه و به خواست خداوند پیش از ماه مبارک رمضان منتشر خواهد شد.

در صد یا نود و نه درصد از این معنی غافل بوده‌اند (و کافی است اشاره کنیم که حتی در ترجمه مهمی چون ترجمه میبیدی حتی «بسم الله الرحمن الرحیم» هم همه جا یکسان ترجمه نشده است). پاسخ دیگر این است که جناب ناقد محترم، نقدشان را بر مبنای چاپ اول ترجمه این جانب نوشته‌اند. حال آنکه برای چاپ دوم (قطع وزیری) ترجمه بنده دو بار و بلکه سه بار دیگر ویرایش شده و در این یکسان‌سازها بیش از پیش کوشش شده است. حاصل آنکه بنده اصل یکسان‌سازی را نظراً صد در صد قبول دارم و عملاً بیش از هشتاد درصد به آن عمل کرده‌ام. باشد که مترجمان بعدی از این هم بیشتر در نردبان تکامل ترجمه قرآن بالا بروند.

بینات: چاپ دوم ترجمه قرآن به قلم شما، چه مزایا و تفاوت‌هایی با چاپ اول دارد و در چه مرحله‌ای از مراحل طبع است و کی انتشار می‌یابد؟

خرمشاهی: تفاوت‌های چاپ اول با چاپ دوم که به یک تعبیر، آن هم چاپ اول ولی در قطع وزیری، به شمار می‌آید، در چند چیز است.

۱. قطع چاپ دوم قطع وزیری است، در صفحه دست راست متن مقدس قرآن و در صفحه دست چپ ترجمه آمده است.